

بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی

دکتر محمد احسانی^۱، دکتر هاشم کوزه‌چیان^۲، دکتر سارا کشر^۳

۱. استادیار دانشگاه تربیت مدرس

۲. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۳. استادیار دانشگاه الزهراء (س)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۳/۱۶

چکیده

به کارگیری روش‌ها و راهکارهای مناسب برای جذب هر چه بیشتر زنان کشورمان به ورزش و ارتقای سطح سلامت و تندرستی آنان مستلزم شناخت عوامل و عللی است که آنان را از مشارکت در ورزش باز می‌دارد یا مشارکت آنان را با محدودیت مواجه می‌سازد. هدف از این تحقیق بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده و میزان مشارکت زنان شهر تهران در فعالیت‌های ورزشی تفریحی است. در این راستا از مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت که این عوامل در آن به سه طبقه عوامل بازدارنده فردی، بین فردی و ساختاری تقسیم شده است، استفاده شد تا ضمن شناخت این عوامل در ایران، صحت و انطباق این مدل با شرایط موجود در کشور بررسی شود. به همین منظور، سلسله‌مراتب عوامل سه‌گانه در سطوح مختلف مشارکت، مشارکت‌کنندگان در مقایسه با غیرمشارکت‌کنندگان، مناطق مختلف شهر تهران و میزان مشارکت بر حسب خصوصیات فردی، بررسی شد. در این تحقیق از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که پس از کسب روایی و پایایی قابل اعتماد، بین زنان شهر تهران توزیع شد. نتایج تحقیق نشان داد که در بین زنان شهر تهران عوامل ساختاری، مهم‌ترین دسته از عوامل اثرگذار بر مشارکت آنان در ورزش است و عوامل بازدارنده فردی و بین فردی به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار دارند و این نتیجه در تمام وجوه تحقیق ثابت است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که ترتیب عوامل بازدارنده سه‌گانه مدل سلسله‌مراتبی در این تحقیق تأیید نشده است.

کلیدواژه‌های فارسی: عوامل بازدارنده، اوقات فراغت، ورزش تفریحی.

مقدمه

ورزش و فعالیت‌های ورزشی جزئی از فرهنگ هر ملت است. دختران و زنان بیش از نیمی از جمعیت هر کشور را در بر می‌گیرند، اما متأسفانه تاکنون که هزاره سوم را آغاز کرده‌ایم، درصد حضور زنان در فعالیت‌های ورزشی همچنان در بین کشورها متفاوت است. در تمام کشورها، زنان از نظر تعداد، کمتر از نیمی از مردان و پسران در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند. دیویس و همکارانش اظهار داشتند که در بیشتر جوامع، زنان از فرصت‌های برابر برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی محروم‌اند و جالب اینجاست که اختلافات موجود در شکل قوانین فرهنگی ارائه می‌شود (پالم، ۲۰۰۰).

ترویج ورزش‌های مورد نیاز انسان در طول زندگی که لذت‌بخش و براساس نیازها و توانایی‌های مردم باشد، مورد تأکید است (نهمین کنگره جهانی ورزش برای همه، ۲۰۰۲). کمبود امکانات تفریحی و ورزشی بر عواملی چون بیکاری و مشکلاتی از این دست در زنان افزوده است. نبود باشگاه‌های تفریحی سالم و سودمند و نداشتن فضای ورزشی از مشکلاتی است که به‌ویژه دختران در آرزوی رفع آنها هستند. دختران هم مانند پسران نیاز به تفریح و ورزش دارند. ده میلیون دختر نمی‌توانند در خیابان‌ها ورزش ماراتن را انجام دهند. آنان نمی‌توانند به راحتی در پارک‌ها ورزش کنند. فرصت‌هایی مثل ابراز شادمانی، خودنمایی، رقابت، جاه‌طلبی، خودسازی، مسابقه، تفریح و سرزندگی جوانی برای زنان در مقایسه با مردان اندک است. زنان برای ورود به عرصه ورزش، از هر نظر با موانعی مواجه هستند؛ چه در جایگاه تماشاگر ورزش، چه در جایگاه ورزشکار و قهرمان و چه در جایگاه فردی غیر ورزشی که برای حفظ سلامت و تندرستی خود تمایل به تحرک جسمی و کسب نشاط و تازگی روحی دارد. ورزشگاه‌ها که باید به همه تعلق داشته باشد، تقریباً تک‌جنسیتی است. زنان از امتیاز حضور در میدان‌های ورزشی در زمان برگزاری رویدادهای ورزشی محروم‌اند و از بهره بردن از بهترین راه جذب به ورزش و تخلیه هیجانات و انرژی روحی بی‌نصیب مانده‌اند (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰).

در شرایط کنونی، باید چشم‌انداز و راهکارهای مناسبی برای ورزش زنان در نظر گرفت. آمار نشان می‌دهد زنان جامعه دچار پیری زودرس می‌شوند. جامعه ما یکی از جوان‌ترین

جوامع دنیاست و دولت باید راهکار تازه‌ای برای بهینه‌سازی اوقات فراغت دختران بیندیشد (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۰).

امروزه برای برنامه‌ریزی ورزش همگانی، به‌ویژه در زنان و زیر پوشش قرار دادن آنان در این برنامه‌ها، باید به‌طور اساسی اندیشید، اقدامی جدی و سریع به‌عمل آورد. یعنی برنامه‌ریزی برای ورزش همگانی زنان باید به‌عنوان طرح ملی یا بخش عمده‌ای از طرح جامعی که امروزه سازمان تربیت بدنی در حال تدوین و اجرای آن است، در نظر گرفته شود تا برنامه‌ای مدون و همه‌جانبه منطبق با شرایط کشور، علایق زنان، وضعیت اقتصادی کشور و ارزش‌های حاکم بر جامعه تدوین و اجرا شود.

در راستای جمع‌آوری اطلاعات در مورد ورزش زنان در جامعه، تحقیقاتی صورت گرفته و تحقیق حاضر نیز از این جمله است. هدف از بررسی عوامل بازدارنده فعالیت‌های مربوط به گذران اوقات فراغت که فعالیت‌های ورزش تفریحی یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن است، مشخص کردن عواملی است که محققان در تحقیقات خود آنها را در نظر گرفته یا افراد، خود آنها را درک یا تجربه کرده‌اند و این عوامل سبب محدودیت درانتخاب گزینه‌های مختلف مربوط به گذران اوقات فراغت می‌شود یا شرکت و لذت بردن در این گونه فعالیت‌ها را در یک جا متوقف یا سد می‌کند. برای بررسی عوامل بازدارنده، به تحقیقات مختلفی که در کشور و نیز در سطح جهان صورت گرفته، مراجعه شد. عوامل مختلفی که در تحقیقات مذکور شناسایی شدند، به دلیل تعدد و پراکندگی، باید به گونه‌ای خاص تقسیم‌بندی می‌شدند، از این رو از مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت^۱ کرافورد، گادبی و جکسون (۱۹۹۳) استفاده شد که در آن، عوامل به شکل مناسبی با عنوان عوامل بازدارنده فردی، بین فردی و ساختاری ارائه شده است.

این پرسش مطرح می‌شود که آیا نحوه تأثیر عوامل بازدارنده بر مشارکت بانوان شهر تهران در ورزش تفریحی با مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت مطابقت دارد؟ کدام یک از عوامل بازدارنده این مدل تأثیر بیشتری بر مشارکت زنان شهر تهران در

ورزش تفریحی دارد؟ در نهایت اینکه چگونه می‌توان عوامل بازدارنده را کاهش داد و زمینه‌ای فراهم کرد که زنان کشور مشارکت بیشتری در ورزش اوقات فراغت داشته باشند؟

در نهایت با توجه به هدف تحقیق، مسئله اصلی این تحقیق این است که عوامل بازدارنده مشارکت بانوان شهر تهران از فعالیت‌های ورزش تفریحی، براساس مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت، کدامند و ترتیب این عوامل با توجه به سطوح مختلف مشارکت چگونه است؟

فرضیه اصلی

ترکیب عوامل سه‌گانه مدل در پیش‌بینی‌های دقیق عوامل بازدارنده در بین زنان شهر تهران، شبیه مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت است.

فرضیه‌های ویژه

۱- ترکیب عوامل سه‌گانه مدل در پیش‌بینی‌های دقیق عوامل بازدارنده در بین زنان تهران با توجه به سطوح مختلف مشارکت، شبیه مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت است.

۲- ترکیب عوامل سه‌گانه مدل در پیش‌بینی‌های دقیق عوامل بازدارنده در بین زنان تهران با توجه به متغیر مشارکت، شبیه مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت است؛

۳- مشارکت بانوان تهران در فعالیت‌های ورزش تفریحی در مناطق مختلف این شهر یکسان است؛

۴- مشارکت بانوان تهران در فعالیت‌های ورزش تفریحی بر حسب خصوصیات فردی یکسان است.

هدف کلی

تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزش تفریحی تهران بر اساس مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت.

هدف‌های ویژه

- ۱- بررسی ترکیب عوامل سه گانه مدل و بررسی ترتیب قرارگیری آنها در مشارکت بانوان تهران؛
- ۲- بررسی ترکیب عوامل سه گانه مدل و مطابقت آن با وضعیت میزان مشارکت بانوان در تهران؛
- ۳- بررسی ترکیب عوامل سه گانه مدل و مطابقت آن با سطوح مشارکت بانوان در تهران؛
- ۴- بررسی میزان مشارکت بانوان تهران در فعالیت‌های ورزش تفریحی برحسب خصوصیات فردی سن، شغل، تأهل، تعداد فرزندان و تحصیلات؛
- ۵- بررسی میزان مشارکت بانوان تهران در فعالیت‌های ورزش تفریحی بر حسب مناطق شهری.

مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت

هدف از تحقیق درباره عوامل بازدارنده اوقات فراغت، بررسی عواملی است که محققان آنها را معرفی کرده یا افراد آنها را درک یا تجربه می‌کنند. این عوامل موجب می‌شوند که فرد از میان فعالیت‌های مختلف فعالیتی خاص را برگزیند یا از شرکت در چنین فعالیت‌هایی لذت ببرد یا برعکس موجب جلوگیری از شرکت فرد در این گونه فعالیت‌ها می‌شود (جکسون، ۲۰۰۰).^۱

مهم‌ترین رشد مفهومی در بررسی عوامل بازدارنده اوقات فراغت در دهه ۱۹۸۰ توسط کرافورد و گادبی (۱۹۸۷) با عنوان "درک موانع اوقات فراغت خانواده" صورت گرفت. آنان به دو مفهوم کلی پی بردند:

- ۱- عوامل بازدارنده، گذشته از اینکه بر افراد شرکت‌کننده و غیرشرکت‌کننده تأثیر دارد، انتخاب آنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، بی‌میلی به شرکت در یک فعالیت یا ناآگاهی از آن فعالیت، ممکن است به عنوان عامل بازدارنده اهمیت یابد و مورد شرح و توصیف قرار گیرد؛

۲- عوامل بازدارنده گذشته از تأثیر بر حق انتخاب و مشارکت (عوامل ساختاری)، بر ارجحیت به روش‌های معنی‌دار مختلف اثر می‌گذارند (عوامل فردی و بین فردی) (جکسون، ۲۰۰۵).

این صاحب‌نظران معتقدند عوامل بازدارنده، تعیین‌کننده رفتار اوقات فراغت نیستند، اما بر آن تأثیر دارند. در واقع آنان با ارائه این مطلب، برای اولین بار دیدگاه غلبه بر عوامل بازدارنده را (جکسون و همکاران، ۱۹۹۳) مطرح کردند. جکسون، کرافورد و گادبی (۱۹۹۳) یک مدل سلسله‌مراتبی را ارائه کردند و در آن نشان دادند که عوامل بازدارنده در سلسله‌مراتبی از مراحل تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و فرد این عوامل را در سلسله‌مراتب به ترتیب با اولویت عوامل بازدارنده فردی، بین فردی و ساختاری تجربه می‌کند (الکساندریس، ۱۹۹۷). آنان معتقدند "مشارکت وابسته به عوامل بازدارنده است، نه اینکه نبود عوامل بازدارنده به معنی مشارکت باشد (گرچه این حالت ممکن است برای بعضی افراد صحت داشته باشد)، مشارکت در نتیجه غلبه بر این عوامل حاصل می‌شود. چنین غلبه‌ای شاید شکل مشارکت را تغییر دهد، ولی مانع از آن نمی‌شود" (جکسون، گادبی و کرافورد ۱۹۹۳).

عوامل بازدارنده

عوامل بازدارنده فردی، عواملی هستند که با حالت‌های روانی فرد سروکار دارند و بر ارجحیت اوقات فراغت او تأثیر می‌گذارند، ولی در رابطه بین ارجحیت و مشارکت دخالت ندارند، مانند استرس، افسردگی، اضطراب، تمایلات مذهبی، خویشاوندی و عدم خویشاوندی افرادی که نگرش خود را مطرح می‌کنند، اولویت‌های اجتماعی برای شرکت در فعالیت‌های خاص اوقات فراغت، درک میزان مهارت شخصی، ارزیابی خود فرد از مناسب بودن یا در دسترس بودن فعالیت‌های مختلف اوقات فراغت.

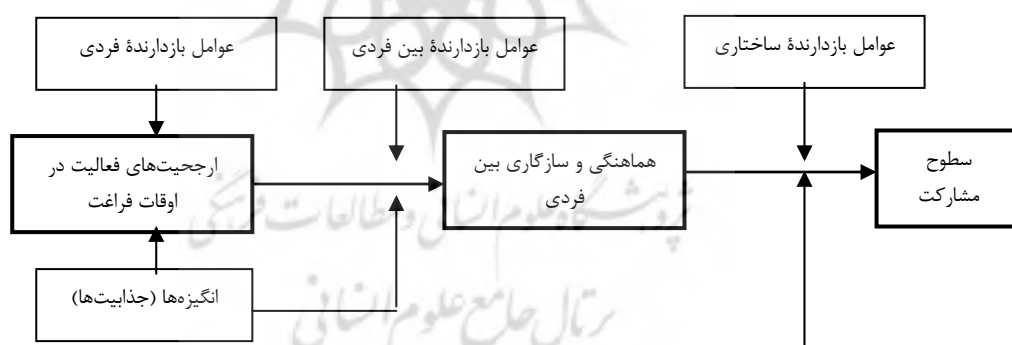
عوامل بازدارنده بین فردی،

عوامل بین فردی حاصل کنش‌های بین فردی یا رابطه بین خصوصیات فردی افراد است. این عوامل یا حاصل عوامل فردی است که همسران با

خود به روابط زناشویی می‌آورند و در نتیجه بر مشارکت مشترک در فعالیت‌های اوقات فراغت خاص اثر می‌گذارند یا موانعی هستند که به‌عنوان نتیجه روابط و تعامل همسران پیش می‌آیند. موانعی از این نوع ممکن است هم بر ارجحیت و هم بر مشارکت در فعالیت‌های مشترک اوقات فراغت و همراهی کردن در فعالیت‌های اوقات فراغت اثر بگذارند (جکسون، ۲۰۰۵).

عوامل بازدارنده ساختاری

عوامل ساختاری به‌عنوان عوامل مداخله‌گر بین ارجحیت اوقات فراغت و مشارکت عمل می‌کنند، مانند وضعیت چرخه زندگی خانواده، منابع مالی خانواده، فصل، هوا، برنامه زمانی کار، دسترسی به فرصت‌ها (و آگاهی از این دسترسی) و نگرش افرادی که در مورد مناسب بودن فعالیت‌های معینی نظر می‌دهند (جکسون، ۲۰۰۵). این عوامل را می‌توان از نوع عوامل بازدارنده خارجی در نظر گرفت.



شکل ۱. شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت به‌عنوان نتیجه ایجاد توازن بین عوامل بازدارنده و انگیزه‌ها (جکسون، کرافورد و گادبی، ۱۹۹۳)

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع پیمایشی است که به‌صورت میدانی انجام شد. در این تحقیق، پرسشنامه‌های نمونه جامعه آماری تهیه و تدوین شد و در مورد زنان استان تهران که با استفاده از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای انتخاب شدند، اجرا شد.

جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از کلیه بانوان ۱۸ سال به بالای ساکن شهر تهران که بر اساس آخرین سرشماری که در سال ۱۳۷۵ صورت گرفت، معادل ۵۴۲۷۷۰۷ نفر برآورد شدند. تعداد نمونه‌ها با توجه به جدول مورگان و سطوح متغیرهای تحقیق ۱۲۰۰ نفر محاسبه شد. این تعداد باید از سراسر شهر تهران انتخاب می‌شدند. با توجه به اینکه در هر تحقیق امکان افت آزمودنی وجود دارد، ۱۵۰۰ پرسشنامه آماده توزیع شد.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای خوشه‌ای استفاده شد. برای دستیابی به افراد مورد نظر تحقیق و ارائه پرسشنامه به آنان، سعی شد مکان‌های مناسبی که بانوان تهران با ویژگی‌های مختلف مورد نظر این تحقیق، در آن مکان‌ها تجمع می‌یابند شناسایی شود. به این ترتیب پس از بررسی مکان‌های مختلف، در نهایت فرهنگسراها به‌عنوان مناسب‌ترین مکان از نظر مراجعه و تجمع زنان شهر از اقشار و طبقات مختلف انتخاب شد. سپس نقشه مناطق شهرداری تهران تهیه و بر اساس آن، شهر به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد و در هر بخش تعدادی از مناطق شهر تهران قرار داده شد. در هر منطقه، فرهنگسراهای موجود شناسایی شد. سپس با استفاده از فرمول تعیین نمونه، سهم نمونه مورد بررسی در هر منطقه و هر فرهنگسرای واقع در هر یک از بخش‌های جغرافیایی تهران محاسبه شد که فراوانی هر یک از آنها در جدول ۱-۳ درج شده است. سپس پرسشنامه‌ها بین افرادی که به‌طور تصادفی در فرهنگسراها حضور می‌یافتند، توزیع شد.

ابزار اندازه‌گیری این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته است که گزینه‌های آن با مراجعه به ۱۶ پرسشنامه که توسط محققان مختلف در دیگر کشورها تهیه و اجرا شده بود، تعیین شد. سپس برای اعتباربخشی سؤالات پرسشنامه و نیز افزایش عوامل آن مطابق با هنجارهای بومی، ابزار در اختیار ۲۰ نفر از ورزشکاران زن باشگاهی گذاشته شد تا آنان نیز در صورت نیاز، عواملی را به آن بیفزایند. برای بررسی روایی محتوایی سؤالات ابزار، ۱۰ متخصص رشته مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی، آنها را مورد بررسی قرار دادند و در نهایت پرسشنامه‌ای با ۴۴ گزینه که با روش لیکرت از ۱ تا ۵ امتیازبندی شده بود، تهیه شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه تهیه‌شده، پرسشنامه بین ۷۰ نفر از دختران دانشجوی

دانشگاه الزهرا توزیع شد و به این ترتیب مشخص شد که ضریب پایایی درونی آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه از لحاظ آماری معنادار است. برای جمع آوری اطلاعات به منظور پاسخ‌دهی به فرضیه‌های تحقیق با مراجعه به سازمان زیباسازی شهرداری تهران فهرست فرهنگسراهای فعال در تهران دریافت و مجوز توزیع پرسشنامه از طرف این سازمان، به نام محقق صادر شد. پرسشنامه تهیه شده در ۱۵۰۰ نسخه تکثیر و مطابق با سهم نمونه هر فرهنگسرا تقسیم شد. پرسشنامه‌ها به فرهنگسراهای سراسر شهر تهران انتقال یافت و در آنجا با ارائه معرفی‌نامه و مجوز سازمان زیباسازی شهرداری، به بانوانی که به فرهنگسرا وارد می‌شدند، ارائه شد. تعدادی از پرسشنامه‌ها در محل پاسخ داده شد و در همان محل جمع آوری شد. تعدادی از آنها بعد از چند روز، با مراجعه مجدد به فرهنگسراها جمع آوری شد. در نهایت ۱۲۷۵ پرسشنامه از ۱۵۰۰ پرسشنامه توزیع شده، جمع آوری شد.

یافته‌های تحقیق

ترکیب عوامل بازدارنده سه‌گانه مدل سلسله‌مراتبی اوقات فراغت

بر اساس نتایج این تحقیق، ترتیب عوامل سه‌گانه مدل کرافورد- گادبی ثابت و قطعی نیست و با نتایج تحقیقات هوبارد (۲۰۰۱)، جکسون (۲۰۰۰)، الکساندریس (۱۹۹۷) و جکسون (۲۰۰۵) مغایرت دارد. در مدل کرافورد، اولین مورد بازدارنده اوقات فراغت، عوامل بازدارنده فردی است و سپس به ترتیب عوامل بین فردی و ساختاری قرار دارند، اما تحقیق حاضر نشان داد که در کشور ما این ترتیب به صورت عوامل ساختاری، عوامل فردی و عوامل بین فردی تغییر می‌یابد و در واقع فرضیه اصلی این تحقیق رد می‌شود و به نظر می‌آید تعمیم مدل کرافورد به همه افراد و شرایط مختلفی که در آن زندگی می‌کنند، امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد ترتیب و توالی عوامل سه‌گانه به شرایط خاصی که افراد در آن به سر می‌برند وابسته است. در اینجا می‌توان به نظریه مازلو^۱ (علوی، ۱۳۸۱) اشاره کرد. او معتقد بود سلسله‌مراتب نیازهای انسانی در جوامع مختلف تابعی از شرایط

1. Maslow

موجود در آن جامعه است و با توجه به کمبودهای آن جامعه، اهمیت هر یک از طبقات نیازهای انسانی بیشتر می‌شود و اساساً در جوامعی که از نظر اقتصادی با مشکلات جدی مواجه‌اند، نیازهای اولیه انسانی بر دیگر نیازها برتری دارد و مانع بروز آنها می‌شود. به نظر می‌آید در جامعه ما که مشکل اقتصادی مهم‌ترین مشکل مردم است، شرکت در فعالیت‌های ورزشی تابعی از نیاز اقتصادی، امنیت و سلامت جسمانی است و در مرحله بعد، نوع نگرش فرهنگی و اعتقادات مردم در نحوه مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی اهمیت می‌یابد. از آنجا که بروز عوامل بازدارنده به معنی بروز مانع و مشکل در جهت رفع نیازهای مربوط به دسترسی افراد به محیط‌های ورزشی است، ابتدا باید برای رفع موانع ساختاری مانند درآمد ناکافی، نبود وسیله نقلیه، عدم سلامت جسمانی و ... تلاش کرد. سپس تغییر نگرش خود زنان و متعاقب آن جامعه و وابستگان درباره فعالیت ورزشی مورد نظر بسیار مهم است. در نهایت عوامل بین فردی که بیانگر لزوم وجود همراه و دوست در فعالیت‌های اوقات فراغت است اهمیت می‌یابد. همان‌طور که در تحقیقات مشکاتی (۱۳۸۳) و سلامی و همکاران (۱۳۸۳) و طرح نظرخواهی از زنان تهران (۱۳۷۵) نشان داده شده است، مهم‌ترین عوامل در عدم شرکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی، عوامل ساختاری مانند پول، وسیله نقلیه، تعهدات خانوادگی، اشتغال و کمبود وقت و عدم دسترسی به فضاهای ورزشی است. سپس عوامل فردی مانند نگرش جامعه نسبت به ورزش زنان و نقش جنسیتی زنان که در جامعه امروز ما پذیرفته شده است و نظر بستگان در مورد پیوستن زنان به ورزش اهمیت بسیاری در عدم شرکت آنان در فعالیت‌های ورزشی دارد. نتایج تحقیق حاضر همسو با یافته‌های تحقیقاتی است که توسط احسانی و همکاران (۱۳۷۹) و (۱۳۸۲) و نیز شجاع‌الدین (۱۳۸۳) در ایران صورت گرفت. تحقیقی که توسط چیک و دانگ بر روی جامعه منتخبی از چین صورت گرفت، نیز بر یافته‌های تحقیق حاضر مهر تأیید می‌زند. البته چیک و دانگ (۲۰۰۴) علت عدم تطابق ترکیب عوامل سه‌گانه مدل کرافورد در چین را اختلافات فرهنگی بین جامعه شرق و غرب می‌دانند که شاید در ایران نیز مصداق داشته باشد. همسو بودن نتایج تحقیقات احسانی و همکاران (۱۳۷۹) و (۱۳۸۲) و نیز شجاع‌الدین (۱۳۸۳) بر اولویت اثر عوامل ساختاری بر مشارکت افراد در ورزش تأکید دارد. نتایج تحقیقاتی که در ایران انجام شده است، با

نتایج تحقیق حاضر، نشان‌دهنده ترتیب و توالی ثابت عوامل بازدارنده سه گانه این مدل در ایران است. در تحقیقات مختلف مشخص شده که توالی این عوامل در مدل اصلی در همه کشورهای جهان ثابت نیست و متناسب با شرایط کشورها تغییر می‌یابد. همچنان که نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات بالا، حاکی از اولویت تأثیر عوامل بازدارنده ساختاری در روند مشارکت افراد در ایران است.

عوامل بازدارنده ساختاری و زنان تهران

نتایج تحقیقات احسانی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، مشکاتی و شجاع‌الدین (۱۳۸۳)، سلامی (۱۳۸۳)، هاشمی (۱۳۸۵) و صدارتی (۱۳۸۵)، نمایانگر اثر و اهمیت ویژه عوامل ساختاری بر مشارکت افراد در ورزش است، در تحقیق حاضر نیز تأیید شده است. در بین زنان تهران عوامل ساختاری به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی شناخته شده است که مؤید نتایج تحقیقاتی است که توسط گرین و همکاران (۱۹۹۰)، دورانتای (۱۹۹۲)، تالبوت (۱۹۸۸)، زیلند (۱۹۹۸) و ... انجام شده است و همگی بر اهمیت زیاد عوامل بازدارنده ساختاری در مشارکت افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت توافق نظر دارند.

عوامل بازدارنده فردی و زنان تهران

عوامل بازدارنده فردی یعنی نگرش جامعه نسبت به فعالیت‌های خاص زنان، نگرش زنان نسبت به فعالیت‌های ورزشی، اعتماد به‌نفس و تصویر از خود و ترس از عدم امنیت و خجالتی بودن، مواردی هستند که بعد از عوامل ساختاری به‌عنوان عوامل بازدارنده زنان شهر تهران از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی اهمیت دارند و این در حالی است که در تحقیقات انجام شده در کشورهای غربی توسط دیم (۱۹۸۷)، هندرسون (۱۹۹۸)، شاو (۱۹۹۲)، گرین (۱۹۸۷)، فرانسیس (۱۹۹۷) و بیالسکی (۱۹۹۹) و دیگران نشان داده شده است که عامل فردی اولین و قوی‌ترین عامل بازدارنده در بین افراد، به‌ویژه در بین زنان است.

عوامل بازدارنده بین فردی و زنان تهران

در زمینه عوامل بین فردی تحقیقات اندکی انجام شده است، اما یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که عوامل بین فردی آخرین دسته از عوامل اثرگذار بر مشارکت بانوان در مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده است. تحقیقات انجام شده بر محور عوامل بازدارنده بین فردی (هندرسون، ۲۰۰۰، گرین، ۱۹۸۸؛ گرین و همکاران، ۱۹۸۷) گویای اهمیت این عوامل و تأثیر آنها بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اوقات فراغت است، ولی اولویت این عوامل نسبت به دو عامل دیگر در این تحقیقات مورد توجه نبوده است.

ترکیب عوامل سه‌گانه مدل و سطوح مختلف مشارکت

متغیر میزان مشارکت، ترتیب عوامل بازدارنده پیش‌بینی شده در مشارکت ورزش بانوان را تغییر نمی‌دهد. یعنی همچنان عوامل بازدارنده ساختاری در مرتبه اول و عوامل بازدارنده فردی و بین فردی به ترتیب در مراتب دوم و سوم قرار دارند.

جدول ۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس ترکیب عوامل سه‌گانه در رابطه با متغیر مشارکت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
واریانس عوامل	۱۲۶۳۹۷۲	۱	۱۲۶۳۹۷۲	*۶۸۴۱
واریانس عوامل * میزان مشارکت	۷۷۶	۴	۱۹۴	۱/۰۵
واریانس خطا	۲۳۱۱۲۹	۱۲۵۱	۱۸۴/۷۵	

* $P < 0/005$

ترکیب عوامل سه‌گانه مدل و متغیر مشارکت

نتایج حاصل از اجرای آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد از نظر بانوانی که در فعالیت‌های ورزشی به هیچ وجه شرکت نمی‌کنند، به ترتیب عوامل ساختاری، فردی و بین فردی بازدارنده آنان از شرکت در فعالیت‌های ورزشی در تهران است.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس ترکیب عوامل سه‌گانه در بین غیرمشارکت‌کنندگان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
واریانس عوامل	۳۵۸۱۲۲/۳۳۱	۱	۳۵۸۱۲۲/۳۳۱	*۲۰۱۶/۵
واریانس خطا	۴۴۹۲۹/۶۶۹	۲۵۳	۱۷۷/۵۸۸	

* $P < 0/005$

جدول ۳. نتایج آزمون تعقیبی ترکیب عوامل سه گانه در بین غیرمشارکت کنندگان

تفاوت میانگین‌ها	$\bar{x}_1 = 23/614$	$\bar{x}_2 = 19/610$	$\bar{x}_3 = 76/717$
میانگین‌ها			
میانگین عوامل فردی = ۲۳/۶		*۴/۰۰۴	*۵۳
میانگین عوامل بین فردی = ۱۹/۶			* ۵۷
میانگین عوامل ساختاری = ۷۶/۷			

نتایج حاصل از اجرای آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد از نظر بانوانی که در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، به ترتیب عوامل ساختاری، فردی و بین فردی، آنان را از شرکت در فعالیت‌های ورزشی در تهران باز می‌دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس ترکیب عوامل سه گانه در بین مشارکت کنندگان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F
واریانس عوامل	۱۳۷۴۵۲۲/۰۷۵	۱	۱۳۷۴۵۲۲/۰۷۵	*۸۲۷۹/۳۷۳
واریانس خطا	۱۵۹۲۱۰/۹۲۵	۹۵۹	۱۶۶/۰۱۸	

* $P < 0/005$

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی ترکیب عوامل سه گانه در بین مشارکت کنندگان

تفاوت میانگین‌ها	$\bar{x}_1 = 25/5$	$\bar{x}_2 = 20/2$	$\bar{x}_3 = 79$
میانگین‌ها			
میانگین عوامل فردی = ۲۵/۵		*۵/۳۶۰	*۵۳/۵۱۳
میانگین عوامل بین فردی = ۲۰/۲			* ۵۸/۸۳۳
میانگین عوامل ساختاری = ۷۹			

تحقیق حاضر نشان می‌دهد چنانچه افراد مورد نظر در این تحقیق به دو گروه مشارکت کنندگان و غیرمشارکت کنندگان تقسیم شوند و ترتیب عوامل سه گانه را در دو متغیر مشارکت (بدون توجه به سطوح مشارکت) و عدم مشارکت بررسی کنیم، باز نتایج نشان می‌دهند که ترتیب عوامل یادشده، نتایج حاصل از یافته‌های این تحقیق را تأیید می‌کند.

میزان مشارکت در سطوح مختلف

نتایج آزمون خی دو تک متغیره نشان می‌دهد تفاوت فراوانی‌های مشاهده شده با فراوانی نظری از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۴۲ درصد از

شرکت کنندگان دست کم یک بار در هفته ورزش می کنند، ۲۰ درصد آنان اصلا ورزش نمی کنند، ۱۳ درصد دست کم یک بار در ماه ورزش می کنند، ۶ درصد دست کم یک بار در سال ورزش می کنند و ۱۵ درصد نیز عضو باشگاه های ورزشی هستند و علاوه بر فعالیت های ورزشی دائمی به فعالیت های ورزشی در زمان فراغت هم می پردازند. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که با وجود عوامل بازدارنده، ۵۵ درصد زنان تهران در فعالیت های ورزش تفریحی شرکت می کنند.

جدول ۶. میزان مشارکت زنان جامعه نمونه در سطوح مختلف مشارکت

سطوح مشارکت	فراوانی	درصد فراوانی	خی دو
اصلا ورزش نمی کنم	۲۶۱	۲۰/۸	*۴۶۹
دست کم در هفته	۵۳۷	۴۲/۸	
دست کم در ماه	۱۷۵	۱۳/۹	
دست کم در سال	۸۵	۶/۸	
ورزشکار باشگاهی هستم	۱۹۸	۱۵/۸	
جمع	۱۲۵۶	۱۰۰	

* $P < 0.005$

یافته های تحقیق نشان می دهد که ترتیب به دست آمده عوامل سه گانه در تحقیقات حاضر در همه سطوح پنجگانه مشارکت ثابت است و در هیچ یک این توالی تغییر نمی یابد. به عبارتی اهمیت عوامل ساختاری نسبت به عوامل دیگر در تمام سطوح مشارکت در بین افرادی که اصلا مشارکت نمی کنند، باشگاهی هستند یا با دفعات تکرار متفاوت در فعالیت ها شرکت می کنند، بیشتر است.

میزان مشارکت در مناطق مختلف شهر تهران

نتایج آزمون خی دو دو متغیره نشان می دهد که تفاوت فراوانی های مشاهده شده متغیر مشارکت در سطوح مختلف مناطق تهران از لحاظ آماری معنادار است. بر این اساس بیشترین مشارکت در سه سطح دست کم یک بار در هفته، یک بار در ماه و یک بار در سال، مربوط به منطقه شرق با ۸۲ درصد شرکت کننده و مناطق جنوب و شمال، هر یک با ۸۰ درصد شرکت کننده و سپس منطقه مرکز با ۷۷ درصد و در آخر منطقه غرب با ۷۳ درصد شرکت کننده است.

جدول ۷. میزان مشارکت بر حسب مناطق

مناطق شهر تهران	سطوح مشارکت					خی دو ۸۹/۴*
	ورزش نمی‌کنم	یک بار در هفته	یک بار در ماه	یک بار در سال	ورزشکار باشگاهی	
غرب	۲۷ ٪۷/۴	۱۳۳ ٪۳۶/۲	۷۸ ٪۱۶/۱	۵۹ ٪۱۶/۱	۷۰ ٪۱۹/۱	
جنوب	۰ ٪۰	۱۶۸ ٪۳۶/۱	۱۰۷ ٪۲۳	۹۹ ٪۲۱/۲	۹۲ ٪۱۹/۷	
مرکز	۰ ٪۰	۴۲ ٪۳۰	۴۲ ٪۳۰	۲۴ ٪۱۷/۱	۳۲ ٪۲۲/۹	
شرق	۰ ٪۰	۳۵ ٪۴۶/۱	۱۷ ٪۲۲/۴	۱۱ ٪۱۴/۵	۱۳ ٪۱۷/۱	
شمال	۰ ٪۰	۹۳ ٪۵۰/۸	۳۲ ٪۱۷/۵	۲۴ ٪۱۳/۱	۳۴ ٪۱۸/۶	
جمع	۲۷ ٪۲/۲	۴۷۱ ٪۳۸/۲	۲۷۶ ٪۲۲/۴	۲۱۷ ٪۱۷/۶	۲۴۱ ٪۱۹/۶	

*P < ۰/۰۰۵

میزان مشارکت در گروه‌های مختلف تحصیلی

نتایج آزمون خی دو دو متغیره نشان می‌دهد که تفاوت فراوانی‌های مشاهده شده در متغیر مشارکت از فراوانی متغیر تحصیلات معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۲۲/۴۲ درصد از زنان دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، اصلاً در فعالیت‌های ورزشی شرکت نمی‌کنند و این عدد نسبت به دو گروه زنان دارای تحصیلات بالاتر بسیار بیشتر است. از طرفی با توجه به سه سطح دست کم یک بار در هفته، یک بار در ماه و یک بار در سال، ۷۷/۵۴ درصد از زنان دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر بیشترین مشارکت را در ورزش نسبت به دو گروه تحصیلات بالاتر از دیپلم (۸۱ درصد) و بالاتر از لیسانس (۸۱/۲ درصد) دارند.

احسانی و همکاران (۱۹۹۶) و الکساندریس (۱۹۹۷) نشان دادند که افراد تحصیل کرده‌تر، کمتر با عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزش اوقات فراغت مواجه می‌شوند و مواجهه با این عوامل در افراد دارای تحصیلات پایین بیشتر است. یافته‌های تحقیق حاضر نیز مؤید نتایج یادشده است. افراد دارای تحصیلات عالی (بالاتر از لیسانس) با درصد بسیار کم (۱۷/۸ درصد) در فعالیت‌ها اصلاً مشارکت ندارند، در حالی که درصد زیادی از افراد دیپلم و زیر دیپلم در فعالیت‌ها اصلاً شرکت ندارند. از این رو مواجهه با عوامل بازدارنده در بین

قشر تحصیلکرده زنان تهران در مقایسه با افراد دیپلم و زیر دیپلم، کمتر مانع مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی می‌شود.

جدول ۸. بررسی میزان مشارکت بر حسب سطوح تحصیل

سطوح مشارکت	سطوح تحصیلات			جمع	خی دو
	دیپلم و پایین تر	بالای دیپلم	بالای لیسانس		
اصلا ورزش نمی‌کنم	۱۷۶	۷۶	۵	۲۵۷	* ۱۹/۴
درصد نسبت به گروه	%۲۲/۴۲	%۱۷/۹	%۱۷/۸		
دست کم یک‌بار در هفته	۳۲۱	۱۹۲	۱۳	۵۲۶	
درصد نسبت به گروه	%۴۰/۸۹	%۴۵	%۴۶		
دست کم یک‌بار در ماه	۹۲	۷۴	۶	۱۷۲	
درصد نسبت به گروه	%۱۱/۷	%۱۷	%۲۱		
دست کم یک‌بار در سال	۵۳	۳۰	۱	۸۴	
درصد نسبت به گروه	%۶/۷۵	%۷	%۳/۵		
ورزشکار باشگاهی هستم	۱۴۳	۵۱	۳	۱۹۷	
درصد نسبت به گروه	%۱۸/۲	%۱۲	%۱۰/۷		
جمع	۷۸۵	۴۲۳	۲۸	۱۲۳۶	
	%۶۳/۵	%۳۴/۲	%۲/۳	%۱۰۰	

*P < ۰/۰۰۵

میزان مشارکت در گروه‌های مختلف سنی

نتایج آزمون خی دو دومتغیره نشان می‌دهد که تفاوت فراوانی‌های مشاهده‌شده متغیر مشارکت با فراوانی متغیر سن از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۱۹ درصد از زنان جوان ۱۸-۳۰ ساله تهرانی اصلا ورزش نمی‌کنند. در مقایسه با این گروه تنها ۱۶ درصد از زنان بالای ۴۵ سال اصلا در فعالیت‌های ورزشی شرکت نمی‌کنند. از طرفی ۴۱ درصد از زنان جوان ۱۸-۳۰ ساله بیشترین مشارکت در سه سطح دوم، سوم و چهارم را نسبت به زنان سنین بالاتر دارند.

جدول ۹. بررسی میزان مشارکت بانوان بر حسب سن

سطوح مشارکت	سطوح سن			جمع	خی دو
	۱۸-۳۰	۳۱-۴۵	۴۵ به بالا		
اصلا ورزش نمی کنم	۱۵۸	۸۲	۱۵	۲۵۵	* ۳۵/۸
درصد نسبت به گروه	%۱۹	%۲۶/۷	%۱۶		
دست کم یکبار در هفته	۳۲۹	۱۳۸	۵۷	۵۲۴	
درصد نسبت به گروه	%۳۹/۶	%۴۵	%۶۱		
دست کم یکبار در ماه	۱۳۱	۳۶	۵	۱۷۲	
درصد نسبت به گروه	%۱۵/۷	%۱۱/۷	%۵/۳		
دست کم یکبار در سال	۶۶	۱۴	۳	۸۳	
درصد نسبت به گروه	%۷/۹	%۴/۵	%۳		
ورزشکار باشگاهی هستم	۱۴۶	۳۶	۱۳	۱۹۵	
درصد نسبت به گروه	%۱۷/۵	%۱۱/۷	%۱۳/۹		
جمع	۸۳۰ %۶۷/۵	۳۰۶ %۲۴/۹	۹۳ %۷/۶	۱۲۲۹ %۱۰۰	

*P < ۰/۰۰۵

جکسون (۲۰۰۵)، دیونیجی (۲۰۰۶) و صفانیا (۱۳۷۹) در تحقیقاتشان نشان دادند که افزایش سن، مانع افراد برای شرکت در فعالیت های ورزشی نیست و در واقع با افزایش سن، افراد علاقه مند به شرکت در فعالیت ها، راهکارهای مختلفی را مورد استفاده قرار می دهند، از جمله تغییر مدت زمان فعالیت و تغییر نوع فعالیت و به این ترتیب موفق به ادامه فعالیت می شوند.

نتایج تحقیق حاضر ضمن تأیید نتایج تحقیقات یادشده نشان می دهد که افراد با وجود افزایش سن، به فعالیت ورزشی خود ادامه می دهند. در قیاس با افراد جوان، تعداد مشارکت کنندگان کمتر است، اما آنچنان که از نتایج تحقیق مشخص است، درصد اندکی از زنان بالای ۴۵ سال تهرانی (۱۶ درصد) اعلام کرده اند که اصلا ورزش نمی کنند و دیگران با دفعات تکرار مختلف در فعالیت های ورزشی مشارکت دارند. بدین ترتیب نتیجه می گیریم که در زنان تهرانی عامل سن، موجب عدم شرکت آنان در فعالیت ورزشی نمی شود.

میزان مشارکت بر حسب وضعیت تأهل

نتایج آزمون خی دو دو متغیره نشان می دهد که تفاوت فراوانی های مشاهده شده متغیر مشارکت با فراوانی متغیر سن از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۱۰. بررسی میزان مشارکت بانوان بر حسب متغیر وضعیت تأهل

سطوح مشارکت	وضعیت تأهل		جمع	خی دو
	متاهل	مجرد		
اصلا ورزش نمی کنم	۱۳۵	۱۲۳	۲۵۸	* ۲۳/۱
درصد نسبت به گروه	%۲۳	%۱۸/۵		
دست کم یکبار در هفته	۲۷۰	۲۶۵	۵۳۵	
درصد نسبت به گروه	%۴۶	%۳۹/۹		
دست کم یکبار در ماه	۸۴	۹۱	۱۷۵	
درصد نسبت به گروه	%۱۴	%۱۳/۷		
دست کم یکبار در سال	۳۰	۵۵	۸۵	
درصد نسبت به گروه	%۵	%۸		
ورزشکار باشگاهی هستم	۶۷	۱۲۹	۱۹۶	
درصد نسبت به گروه	%۱۱	%۱۹		
جمع	۵۸۶	۶۶۳	۱۲۴۹	
	%۴۶/۹	%۵۳/۱	%۱۰۰	

* $P < 0.005$

براین اساس، ۲۳ درصد از زنان متاهل و ۱۸/۵ درصد از زنان مجرد تهرانی اصلا ورزش نمی کنند که همان طور که مشخص است، تفاوت چندان زیاد نیست. ۷۰/۶ درصد از زنان مجرد و ۷۶ درصد از زنان متاهل، با توجه به سطوح مختلف مشارکت با دفعات تکرار متفاوت در فعالیت های ورزشی شرکت می کنند.

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد درصد زنان متأهلی که در فعالیت های ورزش تفریحی شرکت می کنند، نسبت به زنان مجرد کمتر است و تأهل را می توان عامل محدود کننده زنان برای مشارکت در فعالیت های ورزش تفریحی دانست، ولی باز همان طور که جکسون عنوان می کند، این عامل نقش بازدارنده کامل را ندارد، به طوری که فقط ۲۳ درصد از زنان متأهل تهران اصلا ورزش نمی کنند و بقیه با دفعات تکرار مختلف در

فعالیت‌های ورزش تفریحی مشارکت دارند. نتایج پژوهش حاضر، یافته‌های تحقیق هرینگتون و همکاران (۱۹۹۲)، راجرز و نیز اندرتون و همکاران (۱۹۹۵) و پری و شاو (۱۹۹۹) را تأیید می‌کند. همان‌طور که در یافته‌های تحقیقات این پژوهشگران آمده است، زنان متأهل به دلیل مشغله‌های مختلف در خانه، مانند نگهداری از فرزندان و انجام امور خانواده با عوامل بازدارنده مهمی برای شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت مواجه‌اند تفاوت میزان مشارکت بانوان متأهل نسبت به بانوان مجرد گویای مواجهه بیشتر آنان با عوامل بازدارنده است.

میزان مشارکت بر حسب شغل

براساس نتایج آزمون خی دو دو متغیره، تفاوت فراوانی‌های مشاهده شده متغیر مشارکت با فراوانی متغیر شغل از لحاظ آماری معنادار نیست.

میزان مشارکت بر حسب تعداد فرزند

براساس نتایج آزمون خی دو دو متغیره تفاوت فراوانی‌های مشاهده شده متغیر مشارکت با فراوانی متغیر شغل از لحاظ آماری معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ترتیب و توالی عوامل بازدارنده مدل سلسله‌مراتبی عوامل بازدارنده اوقات فراغت در جامعه زنان تهران صدق نمی‌کند و این ترتیب و توالی بر پایه آنچه یافته‌های تحقیق بر حسب اهمیت این عوامل نشان می‌دهد عبارت‌است از ۱- عوامل ساختاری؛ ۲- عوامل فردی؛ ۳- عوامل بین فردی. نتایج بیشتر تحقیقاتی که در کشورهای غربی صورت گرفته، مؤید تطابق سلسله‌مراتب عوامل بازدارنده در مدل مذکور با اهمیت آن در این کشورهاست و در واقع صحت این مدل در این کشورها تأیید شده است. حال نتیجه به دست آمده در زنان جامعه ما سبب بروز پرسش‌هایی در مورد علت تغییر ترتیب و توالی ثابت مدل بین جامعه نمونه چینی دست یافتند و به نظر آنان عامل فرهنگ در ترتیب این عوامل بسیار اهمیت دارد. علاوه بر آنچه چیک و دانگ (۲۰۰۴) معتقدند، به نظر می‌آید در جامعه ما شرایط اقتصادی و اجتماعی زنان نیز اهمیت بسیاری در

مشارکت آنها در فعالیت‌های ورزش تفریحی دارد که برای اثبات این ادعا به تحقیقات بعدی در همین زمینه نیاز است.

بررسی متغیر مشارکت زنان و سطوح مختلف آن در تحقیق حاضر مؤید این است که ۱- ترتیب و توالی عوامل سه گانه در بین مشارکت کنندگان و غیرمشارکت کنندگان و نیز هر یک از سطوح مشارکت، بر یافته‌های این تحقیق استوار است؛ ۲- زنان با وجود عوامل بازدارنده، بازهم در فعالیت‌های ورزشی اوقات فراغت شرکت می‌کنند. بیش از ۷۰ درصد از زنان تمام مناطق تهران ورزش می‌کنند، هرچند تفاوت اندکی از نظر درصد شرکت کنندگان در مناطق پنجگانه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز وجود دارد؛ نتایج نشان‌دهنده مشارکت بیشتر زنان در این فعالیت‌هاست. از این رو نظریه جکسون در مورد اینکه وجود عوامل بازدارنده، لزوماً به معنای عدم شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت نیست، صحیح است و همان طور که نتایج نشان می‌دهد، زنان با وجود مواجهه با موانع مختلف به روش‌های متفاوت در فعالیت‌های مورد علاقه خود شرکت می‌کنند، هرچند که محدودیت در نوع مشارکت آنها وجود دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که زنان جوان ۱۸-۳۰ ساله بیش از دیگران در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند، اما در بین زنان بالای ۴۵ سال نیز مشارکت در فعالیت‌ها وجود دارد و در واقع افزایش سن مانع ورزش کردن زنان نیست. نتایج تحقیقات جکسون (۱۹۹۱)، دیونیچی (۲۰۰۶)، صفانیا (۱۳۷۹) نیز یافته‌های بالا را تأیید می‌کند.

زنان متأهل نسبت به زنان مجرد امکان مشارکت کمتری در فعالیت‌ها دارند. درصد کمی از زنان متأهل موفق به شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت نمی‌شوند، اما بقیه با دفعات مشارکت مختلف در فعالیت‌ها حضور دارند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که عامل تأهل محدودکننده مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزش اوقات فراغت است. فقط اندکی از زنان متأهل آنچه جکسون (۱۹۹۱) بیان می‌کند، در فعالیت‌ها مشارکت ندارند و دیگران با وجود مشکلاتی که تأهل برایشان به وجود می‌آورد، به ورزش می‌پردازند.

در بین زنان تحصیلکرده نتایج نشان می‌دهد که هرچه تحصیلات بالاتر است، عوامل بازدارنده، بازدارندگی کمتری بر زنان اعمال می‌کند، به طوری که مشارکت زنان تحصیلکرده و دارای تحصیلات بالا، نسبت به افراد دارای تحصیلات پایین تر بیشتر است.

منابع

۱. آقاپور، سید مهدی. جامعه‌شناسی ورزشی، سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸، ص ۶۱.
۲. گرامیان، سید علی. ارزش ورزش در اسلام، فصلنامه ورزش، شماره ۱۳، تیرماه ۱۳۷۰، انتشارات معاونت فرهنگی - آموزشی سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
۳. اوچینگ، جو. مفهوم آسیایی ورزش همگانی و تاثیر آن بر نهضت المپیک، ترجمه دکتر محمد مهدی خیربی، فصلنامه المپیک، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۲، ص ۱۱۲.
۴. مهدی پور، عبدالرحمن. بررسی جایگاه تربیت بدنی و ورزش در گذراندن اوقات فراغت دانشجویان پسر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی شهر تهران و تحلیل عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۲.
۵. آزاد، احمد. مبانی تربیت بدنی و ورزش، کمیته ملی المپیک، ۱۳۷۴، صص ۳۷۰ و ۳۹۸.
۶. حمیدی، مهرزاد. مدیریت سازمان های ورزشی، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵، ص ۳۳.
۷. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما [دولتی]، نظرخواهی از زنان تهران در مورد ورزش بانوان طرح پژوهشی، ۱۳۷۵.
۸. وست، دیورا آ.؛ بوچر، چارلز آ. مبانی تربیت بدنی و ورزش، ترجمه احمد آزاد، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، صص ۶۴ و ۱۸۷.
۹. داداشی، محمدصادق؛ احسانی، محمد. عوامل بازدارنده از فعالیت های ورزشی در اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹.
۱۰. سازمان زنان ایران، طرح: تشکیل مرکز آمار و اطلاعات امور زنان (مصوب چهارصد و پنجاهمین جلسه مورخ ۷۸/۷/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹).
۱۱. صفایا، علی محمد. نارضایتی گسترده دختران دانشجو از نحوه گذران اوقات فراغت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ۱۳۷۹.
۱۲. سجادی، سید نصراله. مدیریت سازمان های ورزشی، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص ۴۲.
۱۳. اندرووف، ولادیمیر؛ فرانسوآنس، ژان. اقتصاد و ورزش، ترجمه الله‌وردی جزایری، انتشارات علم و ورزش، ۱۳۸۰، ص ۸۳.
۱۴. افلاطونی، نازنین. مقایسه شیوه های مختلف کنار آمدن با فشار روانی، نشریه آموزشی - پژوهشی المپیک، انتشارات کمیته المپیک جمهوری اسلامی ایران، سال نهم، شماره ۱۳۸۰، ۲۰، صفحه ۴۸.
۱۵. هیوود، لس و همکاران. اوقات فراغت، ترجمه دکتر محمد احسانی، انتشارات امید دانش، ۱۳۸۰.
۱۶. مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، زن و مشارکت سیاسی - اجتماعی، انتشارات برگ زیتون، تهران، ۱۳۸۰، صص ۱۷ و ۱.
۱۷. مطالعات تفصیلی توسعه ورزش همگانی و تفریحی، انتشارات سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی، اسفند ۱۳۸۱.
۱۸. علوی، امین‌الله. روان شناسی مدیریت و سازمان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳.

۱۹. عسگریان، مصطفی. جایگاه تربیت بدنی و ورزش در اوقات فراغت دانش آموزان، دانشیار دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۲.
۲۰. شجاع الدین سید صدرالدین. بررسی نحوه گذران اوقات فراغت کارمندان ادارات آموزش و پرورش تهران با تاکید بر نقش تربیت بدنی، کارشناس ارشد دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۳.
۲۱. احسانی، محمد؛ عزب دفتران، مریم. بررسی عوامل های بازدارنده مشارکت فعالیت های ورزشی دختران دانشجو، فصلنامه المپیک، سال یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
۲۲. سلامی، فاطمه؛ نوروزیان، منیژه، میرفتاح، فاطمه. توصیف موانع شرکت بانوان در فعالیت های ورزشی، پژوهشکده تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳.
۲۳. مشکاتی، زهره؛ والیانی، محبوبه. بررسی نقش برخی عوامل در مشارکت دانشجویان دختر در کلاس درس تربیت بدنی ۲ (پینگ پنگ)، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، ۱۳۸۳.
۲۴. تحرک رمز سلامتی، پایگاه اطلاع رسانی پزشکان ایران، ۱۳۸۴.
<http://www.irteb.com/sportmedical/taharok.htm>
۲۵. سلطان حسینی، محمد؛ نادریان، مسعود. اوقات فراغت در مباحث جامعه شناسی ورزشی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.
۲۶. رضایی صفوی، مرتضی. بررسی اوقات فراغت دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان رشت، مجله نشاط، شماره ۱۶۹، نشریه آموزش و پرورش، ۱۳۸۴.
۲۷. هاشمی، هاجر. بررسی عوامل بازدارنده مشارکت ورزشی زنان کارمند و ارائه راهکارهای مؤثر در این زمینه، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان اصفهان، ۱۳۸۵.
۲۸. صدارتی، مریم. بررسی میزان دسترسی زنان به تولیدات و خدمات ورزشی در سراسر کشور. هیأت علمی دانشگاه الزهراء، معاونت پژوهشی دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵.
29. Aitchison, C. (2001). Gender and leisure research: "The codification of knowledge." *Leisure Sciences*, 23(1), 1-19.
30. Alexandris, K., Carrol, B. (1997). Demographic differences in the Perception of Constraints on Recreational Sport Participation: results from a study in Greece, *Leisure Science*, Routledge, part of Taylor & Francis Group, 6(2): 107- 125.
31. Anderton, J., Fitzgerald, C., and Laidler, A. (1995). Leisure lost, leisure regained? Leisure in the lives of older women. ANZALS Leisure Research Series, 2, 2-25.
32. Beddini, L.A. and Guinan, D.M. (1996). The leisure of caregivers of older adults: Implications for CRTS's in non-traditional settings. *Therapeutic Recreation Journal*, 30, 274-288.
33. Bella, L. (1992). *The Christmas imperative*. Halifax, Nova Scotia, Canada: Fernwood Publishing.
34. Bialeschki, M.D. and Michener, S. (1994). Re-entering leisure: Transition within the role of motherhood. *Journal of Leisure Research*, 26(1), 57-74.
35. Bialeschki, M.D. and Hicks, H. (1998). "I refuse to live in fear": The influence of violence on women's outdoor recreation activities. Paper presented at the Leisure Studies Association Conference, Leeds, England.
36. Bialeschki, M.D. (1999). Fear of violence, freedom, and outdoor recreation: a feminist viewpoint. Paper presented at the 9th Canadian Congress on Leisure Research, Acadia University, Wolfville, Nova Scotia, Canada

37. Boothby, J., Tungatt, M.F, and Townsend, A.R (1981) Ceasing Participation in Sport Activity: Reported Reasons and Their implications. *Journal of Leisure Research* 13, 1-14.
38. Brown, W.J. and Miller, Y.D. (2001). Too Wet to Exercise? Leaking Urine as a barrier to physical activity in women, *Journal of Science and Medicine in Sport*, 4(4):373-378.
39. CAAWS Attends the world sport for all congress, may 2000. <http://www.caaws.ca/leadership/seminars/sportall-may19.htm>
40. Caldwell, L. L., Darling, N., Payne, L., and Dowdy, B. (1999)." Why are you bored?" An examination of Psychological and social control causes of boredom among adolescents. *Journal of Leisure Research*, 31, 103-121.
41. Caldwell, L.L., Perkins, D., Adubra, E. Adubra, L., and Smith, E. (2002). Youth capacity building in rural Togo: A community analysis. Technical report submitted to the Children, Youth, and Family Consortium, The Pennsylvania State University, University Park, PA.
42. Carr, N. (2000). An exploratory study of young women's use of leisure spaces and times: Constrained, negotiated, or unconstrained behavior? *World Leisure*, 3, 25-32.
43. Coalter, F. Dowers, S., & Baxter, M. (1995). The Impact of social class and education on sports participation: Some evidence from the general Household Survey . In Roberts, K., (Ed), *Leisure and Social Stratification* (P. 59-71). Leisure Studies Association, Publication No. 53.
44. Crawford, D.W. and Godbey, G. (1987). Reconceptualizing barriers to family leisure. *Leisure Sciences*, 9, 119-127.
45. Culp, R.H. (1998). Adolescent girls and outdoor recreation: A case study examining constraints and effective programming. *Journal of Leisure Research*, 30(3), 356-379.
46. Deem, R. (1987). Unleisured Lives : Sport in the Context of Women's Leisure, *Women's Studies international Forum*, volume 10, Issue 4 , pages 423-432.
47. Dattilo, J., Dattilo, A. and Samdahl, D.M. (1994). Leisure orientations and self-esteem in women with low incomes who are overweight. *Journal of Leisure Research*, 25(1),23-38.
48. Delamere, F. (1999). A critical examination of fear of violence as a form of social control and the impact of this fear on women's leisure experience. Paper presented at the 9th Canadian Congress on Leisure on Leisure Research , Acadia University, Wolfville, Nova Scotia, Canada.
49. Dupuis, S.L. and Smale, B.J.A. (2000). Bittersweet journeys: Meanings of leisure in the institution-based caregiving context. *Journal of Leisure Research*, 32(3), 303-340.
50. Ehsani, M. Hardman, K&Carroll, B. (1996). "A comparative study of leisure constraint Factors on the sporting Activity English and Iranian students. Annual comparative study conference in Tokyo, Japan.
51. Ferris, A.L. (1962). National Recreation survey, Outdoor Recreation Resources a review Commission (study report No:19) Washington , DC: U.S. Government Printing office.
52. Frances, S.L. (1997). Leisure as a tool for social control: The role of leisure in the lives of women during and after involvement in abusive relationships. In J.Hultsman and M.D. Bialeschki (Eds.), *Abstracts from the 1007 Symposium on Leisure Research* (p. 36). Ashburn, VA: National Recreation and Park Association.
53. Fredrick, J.A. and Fast, J.E. (1999, Autumn). Eldercare in Canada: Who does how much? *Canadian Social Trends*, 26-30.
54. Godbey,G.(1985). Non-participation in public leisure services: A model. *Journal of Park and Recreational Administration*, 3, 1-13.
55. Goodale, T.L., Witt, P.A (1989) . Recreation non- participation and barriers to leisure. In E.L. Jackson and T.L. Burton (Eds), *understanding leisure and recreation*:

- Mapping The Past, charting the future (PP. 421 – 449) . state college, PA : venture publishing , Inc.
56. Gratton, C., & Taylor, P. (1985). Sport and Recreation. An Economic Analysis. London, New York: E & F . N. Spon.
 57. Gratton, C., & Tice, A. (1991). The Demands for sport: A two Stage Econometric Model Using the 1977 General Household Survey.
 58. Green, E., Hebron, S., and Woodward, D. (1987). Women, Leisure and social control. In J. Himmer and M. Maynard (Eds.), women, violence and social control. London, England: Macmillan
 59. Green, E., Hebron, S., and Woodward, D. (1990). Women's Leisure, What leisure? Basingstoke, England: Macmillan
 60. Harrington, M. and Dawson, D. (1995). Who has it best? Women's labor force participation, perceptions of leisure and constraints to enjoyment of leisure. Journal of Leisure Research, 27, 4-24.
 61. Henderson, K.A., Stalnaker, D., and Taylor, G. (1988). The relationship between barriers to recreation and gender-role personality traits for women. Journal of Leisure Research, 20, 69-80
 62. Henderson K.A. and Bialeschki, M.D. (1991). A sense of entitlement to leisure as constraint and empowerment for women. Leisure Sciences, 13, 51-65.
 63. Henderson K.A, and King, K. (1998). Recreation programming for adolescent girls: Rationale and foundations. Journal of Park and Recreation Administration, 16(2), 1-14.
 64. Henderson, K.A., Bedini, L.A., Hecht, L., and Schuler, R. (1995). Women with physical disabilities and the negotiation of leisure constraints. Leisure Studies, 14, 17-31.
 65. Henderson K.A. ,Ainsworth, B.E. (2001). Researching leisure and physical activity with women of colour: Issues and emerging questions. Leisure sciences, 23(1), 21-34.
 66. Herridge, K.L., Shaw, S.M. and Mannel, R.C. (2003). An exploration of women's leisure within hetero sexualromantic relationships. Journal of Leisure Research, 35(3), 274-291.
 67. Jackson, E. L. , Crawford, D., & Godbey, G. (1993). Negotiation of Leisure Constraints. Leisure sciences, 15, 1-11
 68. Jackson, E.L and Henderson, K.A. (1995). Gender based analysis of leisure constraints. Leisure Sciences, 17, 31-51.
 69. Jackson, E.L. and Scott, D. (1999). Constraints to leisure. In E.L. Jackson and T.L.Burton (Eds.), Leisure studies: Prospects for the twenty – first century, (pp.299-321). State College, PA: Venture Publishing, Inc.
 70. Jackson, E.L (2000) . will research on leisure constraints still be relevant in the twenty – first century? Journal of leisure Research 32,62 – 68.
 71. Jackson, E.L.(2005), Constraints to Leisure ,Venture publishing, Inc.pp.3-15.
 72. King, K. (2000). From the precipice: Recreation experiences of high risk girls. Journal of Park and Recreation Administration, 18, 19-34.
 73. Lafrance, M.N., Zivian, M.T., and Myers, A.M. (2000). Women, Weight and appearance satisfaction: An ageless pursuit of thinness. In B. McCauley (Ed.), Women's bodies/Women's lives(pp.277-302).
 74. Matheson, J. (1991) . Participation in sport. London: HMSO.
 75. Messner, M.A. and Sabo, D. (Eds.). (1990). Sport, men, and the gender order: Critical feminist perspectives. Champaign, IL: Human Kinetics.
 76. Mueller, E., Gurin, G., and Wood, M. (1962). Participation in outdoor recreation : Factors affecting demand among American adults. Outdoor Recreation Resources Review Commission (study Report No.20) Washington DC: U.S. Government Printing office.

77. Naul, R. and Hardman, K. (2002), Sport and physical education in Germany, ISCPES university of Manchester
78. Office of the president. (2001, January). Economic report of the President. Washington, DC: U.S. Government Printing Office.
<http://www.gpoaccess.gov/eop/download.html>
79. Palm, Jurgen, Sport for All and it's projection to the year (2000).
<http://www.tafisa.net/content/index.php?option=content&task=view&id=5>
80. Patterson, T.S. (2001) Constraints: An Integrated Viewpoint, , volum 7 (1).
81. Robinson, J.P. and Godbey, G. (1993). Sport, fairness, and the gender gap. Leisure Sciences, 15(4),291-307.
82. Gers, N.B. (1997). Centrality of the caregiving role and integration of leisure in everyday life: A naturalistic study of older wife caregivers. Therapeutic Recreation Journal, 31(4), 230-243.
83. Shaw, S.M. (1992) Body image among adolescents women: The role of sports physically active leisure. Journal of Applied Recreation Research, 16(4), 349-357.
84. Shaw, S.M. (1994). Gender, leisure , and constraint: Towards a framework for the analysis of women's leisure. Journal of Leisure Research, 26, 8-22.
85. Statistics Canada, (2000) National Survey on Giving, Volunteering and Participation.
<http://www.givingandvolunteering.ca/pdf/n-2000-hr-ca.pdf>
86. Stockdale, J. E. (1989). Concepts and measures of leisure participation and preferences. In E.L. Jackson and T.L. Burton (Eds.), Understanding Leisure and recreation : Mapping the past, charting the future (pp. 113-150). State College, PA: Venture Publishing, Inc.
87. Theberge, N. (2000). Higher goals: Women's ice hockey and the politics of gender. New York, NY: Sunny Press.
88. Torkildsen, G. (1992). Leisure and Recreation Management (3rd Edition). London-Madras: E & FN Spon.
89. Walseth, K. (2006). Young Muslim Women and Sport: the impact of identity work, , Leisure Studies, Routledge, part of Taylor & Francis Group, volume 25, Number 1, January 2006, pages 75-94.
90. Wimbush, E. and Talbot, M. (1988). Relative freedoms: Women and leisure. Milton Keynes, England: Open University Press.
91. Walseth, K. (2006). Young Muslim Women and Sport: the impact of identity work, , Leisure Studies, Routledge, part of Taylor & Francis Group, volume 25, Number 1, January 2006, pages 75-94.
92. Wimbush, E. and Talbot, M. (1988). Relative freedoms: Women and leisure. Milton Keynes, England: Open University Press.